

پرچم فریاد

کامبیز گیلانی

kambiz_gilani@web.de

فریاد بر می آوری
با سبزه و سبزی
با پرواز گل سرخ و یاسمین

بر اندام زخمی ات
ندای سرخی
که فریاد "بر کشورم چه رفته است" را
بر در و دیوار عشق
تصویر می کند

فریاد بر می آوری
بر این همه سیاهی

فریاد سرخت
اگر سبز شود
در آسمان آبی،
سپید می شود
نقش " ماهی سیاه کوچک"
در شب تولد پلی
که
رویای کودکی بازیگوش را
به
دنیای پر تلاطم زندگی
می چسباند

فریاد بر می آوری
که زنده اند آموزگاران
که زنده ای
با عشقی
که خون هستی ات را
سرخ نگه می دارد

فریاد بر می آوری
با مشتگی گره کرده:
ای گرگهای درنده

ای گرگهای در لباس میش
من دیگر
آن بره ی جدا از گله نیستم

اینک جنگلی پیش روی من است
سبز سبز
سپید سپید
سرخ سرخ

پیش رویم دریایی است
بازتاب درسی بزرگ
که در آن غوطه خورده ام

فریاد بر می آوری
از عمق غمگین سیاهی
فریادی
که دیوار سنگی قلعه ی دیو را
تا آزادی پری های شهر زنده
تا فرو ریختن بند بند این تیرگی
تا آزادی خورشید
نوید می دهد

فریاد بر می آوری
که این بار می دانی.